

**عنوان مقاله :**

**بررسی حقوقی حمله تجاوز کارانه آمریکائی – صهیونی به**

**جمهوری اسلامی ایران**

**نویسنده:**

**محمود رشنواز**

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه**

**آزاد اسلامی ، دبی، امارات**

**(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)**

**۱۴۰۴/۱۲/۱۴**

## بررسی حقوقی حمله تجاوز کارانه آمریکائی - صهیونی به جمهوری اسلامی ایران

دولت ایالات متحده آمریکا در ادامه سیاست‌های خصمانه خود در قبال ایران و در معیت رژیم متجاوز اسرائیل برای دومین بار در سال ۱۴۰۴ به خاک ایران تجاوز کرد. این تجاوز در اولین ساعات از روز شنبه، نهم اسفندماه ۱۴۰۴ رخ داد. این تجاوز مصداق بارزی از جرم تجاوز است که در ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعریف شده است؛ چنانکه این ماده بیان می‌دارد:

(جنایت تجاوز عبارت است از برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزگرانه توسط صاحب منصبی که به نحو موثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود.) با این اوصاف، رکن مادی جرم تجاوز به وضوح رخداده است و فاعل آن نیز به اعتراف سران دولت آمریکا شخص رئیس‌جمهور این کشور یعنی دونالد ترامپ است چرا که با اختیارات خود، تصمیم نهائی را در ارتباط با جنگ بر عهده گرفته و فرمان تجاوز با دستور مستقیم او بوده است. ترامپ سعی دارد اقدام تجاوز کارانه‌ی خود را در قالب اصل دفاع مشروع، اقدام پیش‌دستانه، حفظ منافع و امنیت آمریکا و ... توجیه نماید، این در حالی است که در انطباق با اصول گفته شده، هیچ کدام از دلایل گفته شده حتی مورد قبول جوامع داخلی آمریکا نیز قرار نگرفته است، مضافاً بر اینکه این دومین تجاوز است که در میانه اقدامات دیپلماسی و مذاکرات از جانب آمریکا رخ داده است.

بند ۲ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که با استناد به قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۴۷ تدوین شده است عنوان می‌دارد: تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، یا هر اقدام دیگری که با منشور ملل متحد مغایرت داشته باشد. یکی از اصول مهم در زمینه تجاوز، توجیه ناپذیری عمل تجاوز است که در ماده ۵ قطعنامه آمده و آن این است که هیچ‌گونه ملاحظات سیاسی، اقتصادی، نظامی یا دیگر دلایل نمی‌تواند تجاوز را توجیه کند. کشتار غیر نظامیان، حمله به اماکن و اهداف غیر نظامی مانند شهرداری‌ها، بهزیستی، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها، خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی، برخی ادارات دولتی، واحدهای هلال احمر، سایت هسته‌ای نطنز و غیره که توسط رژیم صهیونیستی در حملات اخیر صورت گرفته، به وضوح نقض آشکار اصل تفکیک اهداف نظامی و افراد و اهداف غیر نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که از جمله از مصادیق جنایت جنگی محسوب می‌شود. بنابراین دولت ایالات متحده آمریکا با انجام این اعمال علاوه بر ارتکاب جرم تجاوز مرتکب جرم بین‌المللی جنایت جنگی نیز شده است.

حملات دولت متجاوز آمریکا به اماکن و سایت‌های هسته‌ای، مقوله خطرناکی است که مغایر با کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT و موافقتنامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بعلاوه به موجب

کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته ای که در سال ۱۹۸۰ منعقد و در سال ۲۰۰۵ طی اصلاحیه ای مقررات این کنوانسیون را به تاسیسات هسته ای تسری داده است، دول عضو متعهد شده اند حمله، تهدید و خرابکاری در تاسیسات هسته ای و ..... را در قوانین داخلی خود جرم انگاری کنند. علاوه بر اسناد فوق با توجه به اهمیت حفاظت از مواد و تاسیسات هسته ای، آژانس بین المللی هسته ای نیز به تدوین استاندارد ها و راهنمایی هایی در این حوزه پرداخته است. با این حال دولت امریکا برا دومین بار در سال جاری اقدام به این تجاوز خطرناک نموده است و جالب-تر اینکه آژانس انرژی اتمی در این خصوص هیچ گونه واکنشی نشان نداده است. آژانس به عنوان نهاد تخصصی در این حوزه لزوما باید خطرات نشر موارد رادیواکتیو تشعشعات آن را گوشزد کرده و احتمالات خطر را متذکر گردد که به نظر می رسد تحت تاثیر قدرت امریکا، سکوت کرده است.

در این میان کارکرد شورای امنیت، به عنوان نهادی که باید حافظ صلح و امنیت جهانی باشد، به شکلی مشخص نادیده گرفته شده است. دولت ایالات متحده امریکا با برخورداری از حق وتو، با خیالی آسوده از واکنش این شورا، اقدام به تجاوز نموده و حتی برای این اقدام تجاوزکارانه خود، نیازی به تصمیم این شورا نمی بیند. طبق ماده ۳۹ منشور، شورا باید با احراز هرگونه تهدید علیه صلح و نقض صلح یا عمل تجاوز در مرحله اول توصیه و بعد تصمیم بگیرد که برای حفظ یا اعاده صلح چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ منشور انجام دهد. ماده ۴۱ شامل اقدامات غیر نظامی است. اما در صورتی که شورا تشخیص دهد اقدامات فوق در ماده ۴۱ کافی نیست می تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقداماتی نظیر محاصره و سایر عملیات هوایی، دریایی و زمینی دست زند. این در حالی است که این مراتب پیش گفته هیچ کدام از جانب شورای امنیت انجام نشده است. در واقع تمام اصول و سازوکارهای مربوط به صلح و امنیت جهانی در منشور ملل متحد از طرف دولت آمریکا نادیده گرفته شده است.

این تجاوز به وضوح بیانگر نقض فاحش ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد (ممنوعیت کاربرد زور) کنوانسیون-های ژنو و اصول آمره مسئولیت کیفری فردی در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به شمار می-رود. همچنین نقض کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان محاصره مسلحانه بین المللی در این حملات کاما قابل استنباط است؛ این کنوانسیون به عنوان یکی از اسناد الزام-آور حقوق بین الملل بشردوستانه، با هدف حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ تنظیم شده است که امروز ماهیت عرفی نیز دارد. ماده ی ۲۷ این کنوانسیون تصریح می-کند که اشخاص غیرنظامی باید در تمام اوقات از احترام و حمایت لازم برخوردار باشن و ماده ی ۳۳ هرگونه مجازات جمعی، ارعاب یا اقدامات تلافی جویانه علیه افراد غیرنظامی را منع می کند. در موضوع حاضر، تجاوز آشکار و کشتار گسترده دانش-آموزان در میناب بدون هیچ حضور نظامی یا هدف جنگی، نقض فاحش اصول یادشده است. چنین حمله ای در هیچ یک از استثناهای مشروعیت جنگی نمی گنجد. این کشتار وحشیانه که با اقرار مقامات کاخ سفید مبنی بر عمدی بدون حادثه همراه

بود به استناد عدم رعایت مقررات پیش گفته نقض فاحش حقوق بشردوستانه بوده و دارای بار شدید مسئولیت بین-المللی برای سران این رژیم در آینده خواهد بود. مطابق مقررات حقوق بین-الملل بشردوستانه طرف های درگیر نمی-توانند از هر روشی برای جنگ استفاده نمایند و باید تا آنجا از زور استفاده شود که برای غلبه بر طرف مقابل لازم است. براساس کنوانسیون حقوق کودک که ۵۴ ماده و ۲ پروتکل دارد، هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می-شود؛ این کنوانسیون و ۲ پروتکل آن تاکید دارند که هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛ کودکان باید حق حیات داشته باشند و رشد کنند.

در روزهای ابتدائی تجاوز آمریکا به ایران در اسفند ۱۴۰۴ بیمارستان گاندی و برخی از مراکز درمانی دیگر در تهران و دیگر شهرها مورد تجاوز قرار گرفت در حالیکه بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو، نیروهای نظامی می-بایست از هرگونه تجاوز به حریم بیمارستان-ها و مراکز درمانی خودداری نمایند. بنابراین موارد نقض کنوانسیون چهارم ژنو در تهاجم سال ۲۰۲۶ به گونه-ای است که آشکارا با مقررات صریح آن در تقابل قرار داشته و می-تواند مسئولیت بین-المللی دولت آمریکا را بر اساس قواعد عرفی بین-المللی و نیز پیش-نویس مسئولیت بین-المللی دولت-ها در سال ۲۰۰۱ در پی داشته باشد. نتیجتا می-توان مهم-ترین موارد نقض کنوانسیون-های ژنو و حقوق بشردوستانه توسط دولت آمریکا را شامل این موارد دانست:

- ماده ۱۸ کنوانسیون شماره ۴ ژنو: ماده ۱۸ کنوانسیون شماره ۴ ژنو تصریح می-کند، بیمارستان-های غیرنظامی که برای مراقبت از مجروحان و بیماران، بیماران ناتوان و موارد مرتبط با زایمان تشکیل شده‌اند، در هیچ شرایطی نباید هدف حمله قرار بگیرند و باید همیشه مورد احترام و محافظت طرف‌های درگیری باشند.
- ماده ۱۹ کنوانسیون ژنو: طبق ماده ۱۹ کنوانسیون ژنو، حفاظتی که بیمارستان‌های غیرنظامی از آن برخوردارند، متوقف نخواهد شد، مگر اینکه از آنها برای ارتکاب اعمال زیان‌بار - خارج از وظایف بشردوستانه - علیه دشمن استفاده شود. با این حال ممکن است حفاظت فقط پس از صدور اخطار مقتضی، بیان جزئیات همه موارد مرتبط و اعلام یک محدودیت زمانی معقول و پس از بی‌توجهی به این هشدار، متوقف شود. طبق این قانون، «پرستاری از افراد بیمار یا مجروحان نیروهای مسلح در این بیمارستان‌ها و یا وجود سلاح‌های سبک و مهماتی که از این نیروها گرفته شده و هنوز به دست سرویس مرتبط نرسیده است، برای دشمن مضر نیست».
- حملات کورکورانه و بدون تمایز بین اهداف نظامی و غیر نظامی مانند بمباران یا پرتاب راکت و خمپاره با مین و تله‌های انفجاری یا استفاده از گلوله انفجاری با برد موثر بالا مندرج در حقوق بین‌الملل عرفی ملهم از مواد ۲۳ و ۲۵ از کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ که باعث نابودی مدارس بیمارستان‌ها و منازل مسکونی گردیده.

- مواد ۱۴ تا ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو: بر اساس مواد ۱۴ و ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی کشتار زنان و کودکان به شدت محکوم است.

در مقابل جمهوری اسلامی ایران با استناد به حق ذاتی خود در دفاع از تمامیت ارضی و سرزمینی‌اش، اقدام به دفاع نموده است و با حمله به مراکز نظامی و پایگاه‌های دولت آمریکا در کشورهای منطقه و صرفاً با هدف قرار دادن سایت‌های نظامی متعلق به دولت آمریکا و اسرائیل، در پی انتقام از تجاوز آشکار و کشتار گسترده‌ی دولت آمریکا می‌باشد. دفاع ایران، حمله به قلمرو سرزمینی کشورهای همسایه محسوب نمی‌شود چنانچه رئیس‌جمهور ایران در پیامی اعلام داشت: روسای محترم کشورهای دوست و همسایه ما کوشیدیم با کمک شما و از طریق دیپلماسی از جنگ اجتناب کنیم اما حمله نظامی آمریکایی - صهیونی هیچ راه دیگری جز دفاع از خود برای ما باقی نگذاشت ما به حاکمیت شما احترام می‌گذاریم و هنوز هم معتقدیم آرامش منطقه باید به دست کشورهای منطقه تامین شود. این پیام گویای این واقعیت است که ایران که در طول تاریخ نظام جمهوری اسلامی اثبات کرده است، نه در اندیشه‌ی تجاوز بوده و نه پا از اصول دفاعی خود فراتر نهاده است، به رسمیت شناختن حق حاکمیت همسایگان و احترام به تمامیت ارضی آن‌هاست. این موضوع در حال حاضر به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغاتی دشمن مورد استفاده قرار گرفته است که ایران به کشورهای همسایه تجاوز می‌کند، این در حالی است که این تجاوز صرفاً به مواضع امریکاست، مواضع نظامی که در کشورهای همسایه جهت حمله به ایران طراحی و ایجاد شده است.

تجاوز دشمن امریکائی - صهیونی به ایران، منطبق با هیچ کدام از قواعد بین‌المللی شناخته شده نیست و از طریق سازوکارهای منشور ملل متحد نیز قابل توجیه نمی‌باشد. اینکه چگونه این دو رژیم، مدعی دفاع پیش‌دستانه در قبال تجاوز احتمالی ایران هستند، امری است غیرقابل باور، حتی برای متحدان این متجاوزین. ایران دارای حق دفاعی ذاتی خود در دفاع از خویش به استناد بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌باشد. دفاع از تمامیت ارضی یا تمامیت سرزمینی، دولت‌ها را محق به دفاع از مرزها و سرزمین خود می‌سازد، دفاع را حقی قانونی قلمداد می‌کند و مشروعیت دفاع را توجیه میکند.



**Title :**

**Legal analysis of the American-Zionist aggressive attack  
on the Islamic Republic of Iran**

**the writer:**

**Mahmoud Rashnavaz**

**Doctoral student of International Law, Emirates  
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts and  
consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۳/۰۵